

**سیدمحمد حسینی**؛ مروری کوتاه بر اقدامات و رویکردهای وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم نشان می‌دهد شأن و اعتبار محمدجواد ظریف در قیاس با سال ۹۲ به‌واسطه یکسری اشتباهات و خطاهای مهم و جبران ناشدنی خود او تا حدود زیادی آسیب دیده و مخدوش شده است.

به گزارش «وطن‌امروز»، نوع مواجهه مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نهادی کلیدی در ساختار جمهوری اسلامی با لویاج مرتبط با کار گروه اقدام ویژه مالی که از سوی دولت و بویژه وزارت امور خارجه تنظیم و برای تصویب آن بشدت پافشاری شد، نشان می‌دهد جایگاه و اعتبار محمدجواد ظریف برای پیشبرد اولویت‌های دولت (فارغ از مثبت یا منفی بودن آنها) تا چه میزان به نسبت سال‌های ابتدایی دولت روحانی نزول کرده است. تصاویر مغموم و مأیوس او در جلسه ۲۹ دی‌ماه مجمع که برای بررسی لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پارامو) تشکیل شده بود، موید همین گزاره است. مواجهه مجمع تشخیص با این لایحه در جلسات پس از آن نیز نشان داد به‌رغم همه پافشاری‌ها و فضاسازی‌های مقامات دولتی و نمایندگان حامی دولت، تصویب ۲ لایحه پارامو و CFT آنچنان که دولت تصور می‌کرد آسان نیست و آنگونه که رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نقل کرده، در جلسه اخیر این نهاد، تعداد موافقان الحاق ایران به کنوانسیون پارامو کاهش نیز یافته است. مجمع تشخیص بر اساس خطراتی که این لویاج بویژه در حوزه انسداد مجاری دور زدن تحریم‌ها دارد، مخالف تصویب آنهاست، با این حال اما کاهش اعتبار ظریف نزد اعضای این نهاد مهم تصمیم‌گیر نیز قابل کتمان نیست.

در چنین شرایطی بررسی جزایی کاهش اعتبار ظریف در مجموعه حاکمیت که در قیاس با دوران تصویب برجام بسیار چشمگیر هم به نظر می‌رسد، ضروری است؛ چه آنکه مروری کوتاه بر عملکرد حدودا ۶ ساله ظریف در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نشان می‌دهد نقش او در این فرآیند بیشتر و تاثیر گذارتر از هر مولفه دیگری بوده است.

ناکار آمدی در چگونگی به سرانجام رساندن پرونده هسته‌ای، پیگیری اهداف محفلی و جناحی در سایه مسؤولیت‌های ملی، بی‌تعهدی به شعارها و وعده‌ها، مذاکرات ۸ ماهه و بدون خروجی با کشورهای اروپایی و از همه مهم‌تر رعایت نکردن جایگاه و شأن حاکمیتی «وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی» که بعضا به بیان سخنانی دون شأن نیز همراه بود را باید اهم دلایل تنزل جایگاه ظریف در ساختار جمهوری اسلامی دانست.

■ **شکست در مأموریت اصلی**

ایسن روزها دیگر خود مقامات دولتی هم انگیزه‌ای برای دفاع از برجام ندارند و آنگونه که عراقی، معاون ظریف چندماه پیش گفته بود، برجام در آی‌سی‌یو به سر می‌برد. خروج آمریکا از این توافق و خلف وعده اروپا در عمل به تعهدات برجامی‌اش، وضعیتی را به‌وجود آورده که نه‌تنها تحریم‌ها نسبت به قبل برجام بیشتر شده، بلکه آنگونه که ظریف خود روز پیش در گفت‌وگو با یک روزنامه سوسیسی گفته بود «کنون فروش نفت ایران در مقایسه با قبل از توافق هسته‌ای، کمتر شده است».

عدم موفقیت محمدجواد ظریف در به نتیجه‌رساندن برجام که به عنوان مهم‌ترین دستور کار او مطرح بوده است، موجب شده این روزها بیشتر اعضای مجمع تشخیص در تشریح علل مخالفت‌شان بسا لویاجی چون پارامو و CFT، نگرانی از تکرار تجربه‌ای چون برجام را مطرح کنند. ضعف عملکرد ظریف در برجام را می‌توان ذیل ۳ موضوع اصلی عدم اخذ تضمین‌های قوی از طرف مقابل، عدم پیگیری تبدیل برجام به قانون کنگره آمریکا و همچنین نشانختن مناسبات آمریکا با عدم پیش‌بینی ریاست‌جمهوری یک مخالف برجام دسته‌بندی کرد.

هر چند در بحبوحه تصویب برجام و ماه‌های پس از آن حامیان دولت اصرار داشتند امضای وزیر وقت خارجه آمریکا را هم تضمین تعهدات برجامی این کشور بپذینند اما واقعیت این است که دستگاه

محمدجواد ظریف هیچ‌گاه نتوانست تضمینی عینی و الزام‌آور از طرف آمریکایی اخذ کند. این نکته‌ای بود که رهبر معظم انقلاب نیز اردیبهشت‌ماه امسال در دیدار هزاران نفر از دانشجویان و معلمان بر آن تأکید داشته و فرموده بودند: «از روز اول بارها گفته‌ام آمریکا اعتماد نکند. گفتیم اگر می‌خواهید قرارداد ببندید، تضمین لازم را بگیرید و بعد ببینید؛ یکی از شروطی که گفتیم این بود که رئیس‌جمهور آمریکا باید امضا کند. مسؤولان محترم زحمت کشیدند و رعایت ریختند و خب! نتوانستند». در همین ارتباط اگرچه قرار بود با برجام تحریم‌ها لغو شود و

اقتصاد ایران براحتی با بانک‌های اروپایی و غربی مرادوات مالی داشته باشد اما این اتفاق نیتفاد ولی‌الله سیف، رئیس کل سابق بانک مرکزی نخستین چهره دولتی بود که چند ماه پس از انعقاد برجام به صراحت از دست‌نآورد «تقریبا هیچ» ایران از برجام گفت. اردیبهشت‌ماه ۹۵ نخستین خروجی عدم اخذ تضمین از آمریکا خود را نشان داد.
در این زمان جان کری با مدیران بانک‌های اروپایی دیدار کرد تا نگرانی‌های آنها برای مرادوات اقتصادی با ایران را رفع کند اما سبک اظهارات کری و عدم تضمین جدی وی به بانک‌های اروپایی، مدیران ارشد این بانک‌ها را مجبور کرد به صراحت از عدم همکاری با ایران بگویند. جان کری در نشست با مدیران ارشد ۸ بانک بزرگ اروپایی در لندن گفت: «بانک‌ها تا آنجا که احتیاطات لازم را به کار می‌برند و می‌دانند که با چه کسی مبادله می‌کنند، با معیارهای (قانونی) نامناسب و غیرمشخص روبه‌رو نخواهند شد». به‌رغم این نشست و بیان سخنان تکراری در زمینه آزادی بانک‌ها برای همکاری با ایران، اظهارنظرهای مدیران بانک‌های اروپایی پس از آن نشان داد آنها چندان از این سخنان به نظر ظاهرطمینان‌بخش کری قانع نشده‌اند. در همین راستا سخنگوی داچ‌بانک آلمان در این‌باره گفته بود: «کاهش تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپایی علیه ایران این انتظارات را افزایش داده که بخش بانکی از شرکت‌های مختلف در فعالیت‌های تجاری قانونی‌شان با ایران حمایت کند اما برخی تحریم‌های اتحادیه اروپایی و آمریکا علیه ایران و محدودیت‌های غیرتحریمی همچنان پابرجاست. منبر این بانک‌هاچک همچنان به طور کلی تجارت مرتبط با ایران را ممنوع می‌خواهد کرد». همچنین مدیر امور حقوقی بانک انگلیسی اج‌اس‌یو‌سی نیز پس از دیدار با کری اعلام کرد به‌رغم توضیحات کری، این بانک هیچ برنامه‌ای برای احیای مرادوات مالی با ایران

سیدمحمد حسینی

از سوی دیگر اطمینان ظریف به این موضوع که آمریکا هیچ‌گاه از برجام خارج نشده یا در صورت خروج، هیچ کشوری با آمریکا همراهی نخواهد کرد، موجب شد وزیر خارجه جهت تبدیل برجام به قانون کنگره در آمریکا نیز تلاشی نکند. در همین راستا بازخوانی یکی از جلسات کارشناسی مربوط به مفاد برجام در ایران که مربوط به ۳ هفته پس از توافق ایران و ۵+۱ بوده است، خالی از لطف نخواهد بود. آنجا که دکتر فواد ایزدی، از اساتید روابط بین‌الملل دانشگاه تهران از محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه درباره الزام حقوقی آمریکا به برجام با توجه به اظهارات آن زمان جان کری مبنی بر اینکه برجام یک توافق الزام‌آور نیست، می‌پرسد و از ظریف می‌خواهد در این‌باره توضیح دهد. این استاد دانشگاه به اظهارات کذبیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا و تأکید آنها بر پاره کردن برجام پس از پیروزی در انتخابات اشاره می‌کند و خواستار پاسخ ظریف در این‌باره می‌شود. محتوای سؤال ایزدی نشان می‌دهد او نسبت به عدم پایبندی آمریکا به مفاد برجام توسط دولت آینده آمریکا نگرانی داشته است. وزیر امور خارجه اما در پاسخ این استاد دانشگاه می‌گوید آمریکا نمی‌تواند این کار را بکند. اظهارات ظریف در این جلسه نشان می‌دهد وزیر امور خارجه که عامل اصلی این توافق بوده، به قدری به ساز و کار بین‌المللی و شورای امنیت مطمئن بوده که هیچ‌گاه تصور نمی‌کرده طرف آمریکایی بتواند از این توافق خارج شود یا اگر این اتفاق بیفتد، هیچ کشوری با آمریکا همراهی نخواهد کرد! همین ۲ گزاره که بعد چند ماه و در پی ریاست‌جمهوری ترامپ و خروج آمریکا از برجام نقض شد نشان می‌دهد جواد ظریف به‌رغم زندگی چندده ساله در آمریکا نه مناسبات حاکم بر کشور آمریکا را شناخته و نه مناسبات و قوانین بین‌المللی را.

■ **پیگیری اهداف محفلی و جناحی**
اینکه وزیر امور خارجه نیز دارای گرایش‌های سیاسی باشد، یک امر پذیرفته شده است اما تاکنون بویژه در دوره‌های اخیر، وزرای خارجه در مقام تصدی این

پست، فعالیت‌های حزبی خود را کنار گذاشته و به عنوان یک وزیر در جایگاه ملی اقدام کرده‌اند. ظریف اما از این قاعده مستثناست. یک مرور کوتاه بر رفتارهای محمدجواد ظریف نشان می‌دهد او نه‌تنها خود را به رعایت این اصل پایبند نمی‌داند، بلکه در بزنگاه‌های حساس، به دنبال پیگیری منافع جریان سیاسی مطبوع خود است. جالب آنکه در این بزنگاه‌ها که ظریف در آن تصمیم‌گیر است، اتفاقاتی می‌افتد که منافع جریان سیاسی مطبوع ظریف (اصلاح‌طلبان و دولت روحانی) تأمین می‌شود اما مطالبات مردم و توده جامعه محقق نمی‌شود. محمدجواد ظریف ۲ بار در جریان مذاکرات هسته‌ای ماجرای شکست مذاکرات هسته‌ای ۲۰۰۵ و نتیجه آن در تغییر آرایش سیاسی در ایران را برای غربی‌ها بازخوانی کرد. ظریف در قالب مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ در دولت روحانی ۲ بار دیگر هم آداب دیپلماتیک را کنار گذاشت و درباره عواقب شکست مذاکرات بر فضای سیاسی داخل ایران گفت.

محمدجواد ظریف بلافاصله پس از شکست مذاکرات وین ۵ در صفحه توییتر خود نوشت: «سنیایی به توافق جامع هسته‌ای غیرممکن نیست،نیاز است توهمات کنار گذاشته شود،نباید مانند یکی از مهم‌ترین انتقاداتسی که همواره به محمدجواد ظریف وارد بوده، عدم مسؤولیت‌پذیری و بی‌صدقاتی‌اش با مردم است. به عنوان مثال ظریف ۲ ماه پیش در شرایطی که نشانه‌های عدم اراده اروپا برای همراهی با ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا آشکار شده بود، در اقدامی غیراخلاقی زیر تمام وعده‌ها و شعارهای دولت درباره برجام زد و گفت برجام اصلاهدف اقتصادی نداشت؛وی ۴ دی‌ماه در گفت‌وگویی اظهار داشت: هدف از برجام اصلا اقتصادی نبود. بحث‌های هسته‌ای، امنیتی و خارج شدن از شورای امنیت بود که محقق شد.وی در همین راستا افزود: «هدف برجام اصلا اقتصادی نبود. مذاکرات ما درباره برجام تا فروردین ۹۴ (یعنی ۳ ماه قبل از توافق نهایی برجام) صرفا هسته‌ای و امنیتی بود. بحث‌های هسته‌ای، امنیتی و خارج شدن از شورای امنیت بحث‌های اصلی ما بودند و اینکه کسی بگوید هدف برجام اقتصادی بود با واقعیت و خطوط قرمز که برای ما ترسیم شده بود، نمی‌داند... و در همه این اهداف

سنیایی



## «وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ چرا نفوذ وز بر خارجه در افکار عمومی و نهادهای تصمیم‌گیر دیگر مانند گذشته نیست و بشدت کاهش یافته است

# اعتبار از دست رفته

سال ۲۰۰۵ فرصت از دست برود». این توثیت ظریف انتقادات گسترته‌ای را در ایران به دنبال داشت و منتقدان از او خواستند شأن و جایگاه وزارت امور خارجه را رعایت کند و از طرح و پیگیری دغدغه‌های جناحی در قالب مذاکرات هسته‌ای پرهیز کند. با این حال ظریف به این انتقادات توجهی نشان نداد. او چندی بعد و در آستانه مذاکرات وین ۶، این بار با انتشار یک ویدئو، یک بار دیگر دغدغه‌های خود از شکست مذاکرات ا مطرح کرد!ظریف در این فیلم گفت: «ما می‌توانستیم مساله هسته‌ای را در سال ۱۳۸۴ حل و فصل کنیم ولی در آن زمان حرف من را باور نمی‌کردند، وقتی می‌گفتم ایرانی‌ها به فشار حساسیت دارند، دولت بوش اصرار داشت ما غنی‌سازی را به کلی رها کنیم. با نزدیک شدن به ۲۹ تیر من یکت بار دیگر احساس نیاز می‌کنم که هشدار دهم و بگویم بازی شاین- قمری‌به امید گرفتن امتیاز در لحظه آخر، نمی‌تواند نتیجه‌ای بهتر از سال ۱۳۸۴ بدهد». با این اظهارات، ظریف در حد فاصل پایان مذاکرات وین ۵ و آغاز مذاکرات وین ۶، دو بار ماجرای شکست مذاکرات هسته‌ای در دوره اعتمادسازی اول یا یادآوری کرد تا به طرف غربی یادآوری کند شکست دوستان اصلاح‌طلب او در ایران، چه عواقبی برای غرب و آمریکا خواهد داشت؛ نگرانی ظریف البته درباره انتخابات مجلس جدی بود، چنانکه پس از انتخابات مجلس دهم (۱۷ اردیبهشت‌ماه ۹۵) نیز منتخبان لیست امید به دیدار ظریف رفتند؛ دیداری که به اعتقاد ناظران سیاسی تشکر نمایندگان منتخب لیست امید از ظریف بود.

همچنین حضور و سخنرانی ظریف در چهارمین نشست حزب اصلاح‌طلب «ندای ایران» که آذرماه گذشته برگزار شد، بار دیگر اعتراضات نسبت به رفتارهای حزبی و جناحی را متوجه «وزیر امور خارجه» کرد.

■ **ادبیات مخرب و رفتار نسنجیده**

محمدجواد ظریف در سال‌های مسؤولیت خود به عنوان وزیر امور خارجه به دفعات مواضع و ادبیاتی عجیب، نسنجیده و به غایت هزینه‌ساز برای کشور را به کار برد که نه‌تنها هیچ سختی‌با جایگاه رسمی او نداشت که انتظار بیان برخی از آن سخنان حتی از فعالان سیاسی دسته‌چندم کشور نیز نمی‌رفت. نزدیک‌ترین نمونه از این سنخ سخنان را می‌توان ادعاهای چند ماه قبل ظریف درباره «پولشویی گسترده در ایران» دانست که استقبال گسترده رسانه‌های معاند و ضدانقلاب را نیز در پی داشت. ظریف ۲۰ آبان در مصاحبه با یک سایت حامی دولت مدعی شده بود: «بالاخره پولشویی یک واقعیت در کشور ما است و خیلی‌های پولشویی منفعت می‌برند. من نمی‌خواهم این پولشویی را به جای نسبت‌دهم اما جاهایی که هزاران میلیارد پولشویی می‌کنند، حتما آنقدر توان مالی دارند که ده‌ها و صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضا‌سازی کنند». وی در این گفت‌وگو با بیان اینکه اعتقاد دارم خیلی از این نگرانی‌ها درباره FATF صادانه است، مدعی شد: «فکر می‌کنم پشت برخی از این نگرانی‌ها منافع اقتصادی است». این اظهارات که در کشاکش بررسی لایحه CFT درآنهاست، قانونی و ظاهرا با هدف منفعل کردن مخالفان این لایحه مطرح شد، واکنش بسیاری از مسؤولان را در پی داشت و عده کثیری از کارشناسان و نمایندگان مجلس از ظریف خواستند درباره این ادعا مدارک و مستندات خود را به قوه‌قضائیه ارائه کند تا با متخلفان برخورد شود. چند روز پس از این اظهار نظر ظریف، رئیس قوه‌قضائیه بشدت از این سخنان انتقاد کرده و آن را به فرو کردن خنجر در قلب نظام تشبیه کرد. آیت‌الله املی لاریجانی در جلسه مسؤولان عالی قضایی در این‌باره گفت: «اگر پولشویی

عظیمی در کشور وجود دارد، چسرا این موضوع را به قوه‌قضائیه اطلاع ندهاید؟ این موضوع نیز مانند بحث واردات غیرقانونی خودروهاس که بعد از چند ماه به اطلاع قوه‌قضائیه رسید. قانون مبارزه با پولشویی در دهه ۸۰ به تصویب رسیده و بر اساس آن کسانی که از پولشویی مطلعند موظف به اعلام آن به مرجع قضایی هستند». رئیس قوه‌قضائیه خاطر نشان کرد: «باید سخنی گفت و بعد اصلاح و بیان کرد که مقصود چیز دیگری بوده است. ما از فرد مسلمان قبول می‌کنیم که قصد سوئی نداشته است اما نباید فراموش کرد که برخی سخنان اثر نادرست خود را می‌گذارند». آیت‌الله املی لاریجانی با بیان اینکه همه مسؤولان بویژه افرادی که در دولت و در میدان اصلی کارزار حضور دارند باید مراقب اظهارات خود باشند، تأکید کرد: «مسؤولان نباید سخنانی به زبان بیابورند که مانند خنجر به قلب نظام فرو برود. اگر اطلاعی از وقوع جرائم داریم نباید پنهان کاری کنیم، بلکه لازم است آن را به مرجع مربوط اعلام کنیم». در همین راستا قوه‌قضائیه ۲۹ آبان نامه‌ای به محمدجواد ظریف نوشته و از وی خواست در مهلتی ۱۰ روزه مستندات خود درباره پولشویی در کشور را ارائه کند. یک هفته بعد دادستان کل کشور اعلام کرد: ظریف یک نامه ۱۲ صفحه‌ای را چند روز قبل فرستاده که یکسری بیانات خودش را در آنجا باز توضیح داده است، همچنین حاوی مسائل دیگری بود که خیلی مرتبط با آنچه ما خواستیم نبود و در آخر هم اشاره کردند که دلیل و مستندی ندارند که بخوانند بفرستند!

اظهارنظرهای نسنجیده و هزینه‌ساز ظریف البته به موضوع پولشویی محدود نبوده و نیست، از آذرماه سال ۹۲ نیز سخنانی دور از انتظار و این‌بار درباره توافقی کششور بر زبان رانده بود. وزیر امور خارجه طی نشستی دانشجویی در دانشگاه تهران در

پاسخ به سوال یکی از دانشجویان چنین گفته بود: «با فکر کردید آمریکا که می‌تواند با یک بمب تمام سیستم دفاعی ما را از کار بیندازد، از سیستم دفاعی ما می‌ترسد؟ آیا واقعا به خاطر قدرت نظامی، آمریکا جلون نمی‌آید؟!» این اظهارات مخرب و جسیرت‌آور که از سوی یکی از مقامات رسمی کشور بیان شده بود، همان زمان واکنش‌های گسترده‌ای را به دنبال داشت و بسیاری از مقامات ارشد نظامی کشور تصریح کردند که متأسفانه ظریف اطلاعات لازم را درباره توانایی دفاعی و موشکی کشور ندارد. در عنوان مثال، سردار دهقان، وزیر وقت دفاع در وی‌ماه ۹۲ در

سخنانی در مراسم بزرگداشت شهیدان حاج احمد کاظمی و حاج حسن القییس با اشاره به اظهارات ظریف در دانشگاه تهران اظهار کرد: «جایی گفته شد که آمریکا اگر بخواهد می‌تواند نظام دفاعی ما را از کار بیندازد اما ملت ما نماد عینی شعار «ما می‌توانیم» است و اینکه آنها امروز نمی‌توانند کاری کنند. از سر دلسوزی نیست، بلکه توان آن ندارند». چند روز بعد سردار جعفری فرمانده سپاه پاسداران نیز گفت: «من توضیح دادم ایشان (ظریف) تجربه و تخصص این بحث را ندارند. درست است که ایشان را یک دیپلمات صاحب نظر می‌دانیم ولی در مسائل نظامی و امنیتی تجربه ندارند. به هیچ‌وجه اینطور نیست که سیستم دفاعی ما با ۲ بمب از بین برود. ممکن است یکسری از زیرساخت‌ها از بین برود ولی توان موشکی و توانمندی‌های استراتژیک سپاه طوری است که اگر هزاران بمب

■ **بی‌صدقتی و تذکری که به ظریف داده شد**

به نتیجه رسیدیم. همه قطعنامه‌ها هم لغو شد». وی افزود: اشکال این است که در داخل دولت برجام را با اقتصاد و معیشت مردم گره زدیم. شاید به دلیل فشارهای برخی محافل داخلی که می‌خواستند فرآیند برجام طی شود دولت مجبور شد سر نوشت برجام را با اوضاع اقتصادی مردم گره زند تا مطالبات را برای انعقاد توافق بالا ببرد. به نظر می‌رسد این نقطه انحراف باشد و الان ادبیاتی که تثبیت شده این است که هدف برجام اقتصاد بوده و چون ترسیدیم، برجام شکست خورده است.

ظریف در حالی این اظهارات را مطرح کرد که طی بیش از ۵ سال گذشته هم خود او، هم حسن روحانی، هم دیگر اعضای دولت و همین‌طور طرفداران دولت، بهبود معیشت و رونق اقتصادی را هدف محوری و کلیدی مذاکرات هسته‌ای و برجام دانسته‌اند و اساسا با همین شعارها و دادن وعده‌های معیشتی توانستند از مردم رای بگیرند.

برزند شاید بتوانند ۱۰ تا ۲۰درصد توان موشکی سپاه را بکاهند». رهبر معظم انقلاب تیرماه سال بعد (۹۳) در دیدار اساتید دانشگاه تأکید کردند برای آنکه برخی مسؤولان در جریان توانمندی‌های نظامی و علمی دانشمندان ایرانی قرار بگیرند، برای آنان تور نظامی و تور علمی برگزار شود؛ «یک وقتی یکی از مسؤولان کشور درباره مسائل نظامی یک نظری داده بود که خوب، مطابق واقع نبوده؛ بنده گفتم یک «تور نظامی» برای مسؤولان کشور قرار بدهید؛ بیایند یک خرده‌ای در محیط‌های نظامی گردش کنند، حقایق را، واقعیتی را ببینند، معلومات‌شان نسبت به موجودی نظامی کشور بالا برود...».

■ **۸ ماه مذاکره بدون خروجی**

اردیبهشت‌ماه امسال پس از خروج آمریکا از برجام، مذاکرات ایران و اروپا با هدف تداوم حضور ایران در برجام از سویی و تضمین فروش نفت ایران و برقراری مبادلات تجاری ایران و اروپا از سوی دیگر شروع شد. در نتیجه این مذاکرات قرار بود ایران همچنان در برجام بماند و اروپا هم ضمن تضمین فروش نفت ایران، با راه‌اندازی سازوکاری ویژه، به ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا کمک کند. هر چند ابتدا قرار بود زمان مذاکرات محدود و فرصت اروپا برای ارائه کاتال ویژه مالی ۲ هفته و سپس حداکثر ۲ ماه باشد اما اروپا تیرماه گذشته صرفا کلیاتی از بسته مورد نظر خود را به ایران ارائه کرد؛ موضوعی که اعتراض مقامات ایران را به دنبال داشت و حسن روحانی در تماس تلفنی با صدراعظم آلمان، این بسته پیشنهادی را ناامیدکننده خواند. پس از این مرحله و در شرایطی که دور اول تحریم‌های ضدایرانی آمریکا در مردهامه به اجرا درآمد، اروپایی‌ها زمان جدیدی را برای ارائه بسته جدیدی خود اعلام کردند؛ ۱۳ آبان‌ماه که مصادف بود با زمان بازگشت دور دوم تحریم‌ها! همان زمان بسیاری از کارشناسان و رسانه‌ها نسبت به این هم‌زمانی هشدار داده و تأکید کردند اروپا می‌خواهد با وقت‌کشی، تأثیر تحریم آمریکا علیه اقتصاد ایران را تضمین کند. چنانکه انتظار می‌رفت ۱۳ آبان نیز به‌رغم بازگشت دور دوم تحریم‌های ضدایرانی آمریکا، اروپا از ارائه SPV سر باز زد و باز هم موعد جدیدی را اعلام کرد؛ پیش از پایان سال ۲۰۱۸ میلادی! که باز هم وعده اروپا محقق نشد و در نهایت ۳ کشور اروپایی پس از ۹ ماه وقت‌کشی و ۳ بار خلف وعده آشکار، ۱۱ بهمن بیانیه «ثبت» کاتال ویژه مالی را اعلام کردند.

نکته جالب توجه درباره بیانیه شروع به کار INSTEXاما آنجا بود که ۳ کشور اروپایی نه‌تنها تعهدات برجامی خود نظیر تضمین فروش نفت ایران یا ادامه تبادلات مالی و بانکی ایران و اروپا را در این بیانیه نیابردند، بلکه در ازای تأسیس یک شرکت ذی‌حسابی، شروط جدیدی نیز برای ایران تعریف کرده و خواستار تصویب لویاج مرتبط با FATF در ایران شدند!

با همه اینها خسارات اصلی ۸ ماه مذاکره با اروپا نه معطلی دوساره کشور و گر زدن همه امور به سیاست خارجی، که تحت‌الشعاع قرار گرفتن مناسبات دستگاه سیاست خارجی با کشورهای اروپایی بود. در فاصله اردیبهشت تا بهمن‌ماه امسال کشورها مختلف اروپایی بارها دست به اقدامات خصمانه علیه ایران زدند اما دربار امور خارجه در برابر هیچ کدام از این تحركات، واکنش لازم را نشان نداد تا مبادا به روند مذاکرات لطمه‌ای وارد شود!

از جمله تیرماه امسال دادستانی فدرال آلمان مدعی شد اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی مستقر در وین، مشکوک به همکاری با گروه‌های تروریستی منافقین در پاریس را داشته‌اند. «توماس اشنول» سخنگوی وزارت خارجه اتریش نیز همان زمان در یک کنفرانس خبری اعلام کرد: «از ایران خواستیم این دیپلمات را لغو کند. دستگاه قضایی بلژیک حکم به بازداشت این دیپلمات ایرانی داده و به همین دلیل ظریف ۴۸ ساعت موقعیت دیپلماتیک خود را از دست می‌دهد». بازداشت و همچنین تصویب ترمیم اتریش برای سلب مصونیت دیپلماتیک از دیپلمات ایرانی، گذشته از آنکه اتفاقی نادر و استثنایی در دنیا دیپلماسی به حساب می‌آید، بر خلاف صریح حقوق دیپلماتیک نیز بود، چرا که طبق این حقوق، نمی‌توان یک دیپلمات را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد. حتی بر اساس این حقوق، دیپلمات‌ها را نمی‌توان تحت تعقیب قانونی قرار داد. در پیمان وین یا کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک به عنوان مهم‌ترین معاهده مربوط به حقوق دیپلماتیک آمده است: «مصونیت دیپلماتیک اساساً قابل نقض نیست». با همه اینها وزارت امور خارجه نتوانست از حقوق بدیهی ایسن دیپلمات ایرانی دفاع کند به طوری که از زمان بازداشت او بیش از ۷ ماه می‌گذرد. درباره

بازداشت این دیپلمات ایرانی البته برخی کارشناس معتقدند رویکرد وزارت امور خارجه در قبال او نه انفعال که تصمیمی از روی اراده بود. چنانکه بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه در گفت‌وگوی خود با «وطن‌امروز» که ۲۱ مهر گذشته منتشر شد، به پاسخ به سؤالی درباره بازداشت اسدالله اسدی، دیپلمات سفارت ایران در وین که توسط پلیس آلمان در جریان حضورش در این کشور انجام شد، آن هم با توجه به مصونیت دیپلمات‌ها، گفت: «بییندیا ایشان مصونیت دیپلماتیک در آلمان ندارد! آقای اسدی عضو سفارت ما در وین است و بر اساس قوانین کنوانسیون‌ها او دارای مصونیت در وین است!» علاوه بر این اخیرا نیز یک دیپلمات سابق در گفت‌وگو با خبرگزاری نزدیک به ظریف تلویحاً مدعی برخی اتهامات علیه دیپلمات‌های ایرانی در اروپا شده بود. همچنین هم‌زمان با مذاکرات ایران و اتحادیه اروپایی بارها به سفارتخانه‌های ایران در پایتخت‌های اروپایی حمله شد و این در حالی بود که طبق گزارش‌ها پلیس این کشورها نیز همواره شاهد این حملات بوده است! روز چهارشنبه ۶ تیرماه منافقین مقابل ساختمان سفارت ایران در هلند تجمع کردند. در حالی که مقر پلیس دیپلماتیک کنار سفارت ایران قرار دارد اما پلیس هیچ اقدامی برای متفرق کردن منافقین انجام نداد. در نهایت منافقین مقابل چشم پلیس، در سفارت ایران را با قفل بستند! با این حال پلیس که وظیفه حراست از امکان دیپلماتیک را برعهده دارد، حتی به این اقدام منافقین معترض نیز نشد. حدود ۲ ماه پس از آن به سفارت ایران در هلسنکی، پایتخت فنلاند نیز تعدی شد و طی آن افراد ناشناس پرچم ایران را از سفارت ربوده و آن را آتش زدند. به این مورد و برخی اتهامات علیه دیپلمات‌های ایرانی اشاره شد. از کشورهایی چون هلند و دانمارک را که با اتهامات ثابت نشده اتفاق افتاد هم افزود.